فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۸، صفحات ۸۸-۵۳

مقاله پژوهشی

بررسی موانع ساختاری و کنشی تحقق حقوق شهروندی
(مطالعه‌ی موردی: اقوام ترک و کرد استان آذربایجان غربی)

علی معین فر[۱]، رضا علی محسنی[۲]، مجید کفاشی[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۸/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳

چکیده

هدف مقاله‌ی حاضر، بررسی موانع ساختاری و کنشی تحقق حقوق شهروندی در استان آذربایجان غربی می‌باشد. در این مقاله عمدتاً از تئوری‌های مارشال، فالکس، پارسونز، گیدنز و کاستلز استفاده شده است. روش تحقیق پیمایشی است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بر ۳۸۴ نفر از شهروندان استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۸ انجام شد. به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تی تست مستقل و رگرسیون چندگانه‌ی هم‌زمان استفاده شد. پایایی پرسش‌نامه بر اساس آلفای کرونباخ (ضعف در اجرای حقوق شهروندی ۰/۸۲۶، تبعیض ۰/۸۷، جامعه‌پذیری ناقص ۰/۹۱۸، تبارگرایی ۰/۷۳، حاکمیت تفکر نظام ارباب – رعیتی ۰/۷۲، رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی ۰/۸۵، عدم مطلوبیت وضعیت موجود نظام حقوقی ۸۹۶/، ضعف حکمرانی مطلوب ۰/۹۳۷) و برای روایی سازه و تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد.

تحلیل داده‌های این پیمایش نشان داد موانع ساختاری نظیر رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی، حاکمیت تفکر نظام ارباب–رعیتی، ضعف حکمرانی شایسته ، تبعیض و موانع کنشی شامل تبارگرایی و جامعه‌پذیری ناقص بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر دارد و به‌صورت واقعی و تعدیل‌یافته ۲۲/۱درصد از

[۱] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Moeinfar.ali1397@gmail.com

[۲] دانشیار جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.(نویسنده مسوول)
mohseni.net14@gmail.com

[۳] دانشیار جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Kaffashi.majid@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

واریانس ضعف در اجرای حقوق شهروندی توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. همچنین ضعف در اجرای حقوق شهروندی در بین پاسخ‌گویان براساس قومیت آنان متفاوت نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی؛ تفکر نظام ارباب-رعیتی؛ تبارگرایی؛ قومیت؛ حقوق شهروندی.

بیان مسأله

شهروندی[1] به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی مدرن از مؤلفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخص کلیدی برای نشان‌دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه‌ی مدرن است که برخوردار از یک حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی کارآمد و پویاست. حقوق شهروندی همان حقوق شناخته‌شده برای افراد بشر است و اختصاص به شهر و روستا ندارد و نام‌گذاری آن به دلیل پیشینه‌ی واژه‌ی لاتینی سیتی‌زن[2]؛ بیش‌تر یادآور مدنیت و قانون‌مندی در اجتماعات بشری است. حقوق شهروندی تنها به‌معنای حق و حقوق نیست؛ تنها جنبه‌ی سلطه و توان مطالبه مطرح نیست؛ بلکه می‌توان آن را به وظایف و مسوولیت‌های ناشی از زندگی اجتماعی نیز سرایت داد(علیدوستی، ۱۳۸۸:۵۰).

شهروندی نیازمند بستری مناسب است که در آن جامعه‌ی مدنی قدرتمند، حضور مردم در عرصه‌های عمومی فعال و به‌تبع آن‌ها تمام ارکان جامعه در سرنوشت خویش سهیم باشند. وجود و فعالیت تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی میانی زمینه‌ی لازم را برای رشد آگاهی از حقوق و به‌ویژه حقوق شهروندی فراهم می‌سازد. از این رو، اصلاح جامعه باید با بهبود فرصت‌ها برای افراد جهت آگاهی و عمل به حقوق و مسوولیت‌ها همراه شود؛ زیرا درعمل و کسب تجربه، بسیاری از تضادها و تنش‌ها حل و زمینه برای پیوند افراد با یکدیگر و انسجام اجتماعی ایجاد می‌شود. درحقیقت، حضور و مشارکت در شبکه‌های جامعه‌ی مدنی، حس مسوولیت مشترک، مهارت‌های همکاری برای تلاش جمعی و درنهایت همبستگی در جهت توسعه‌ی جامعه را در پی خواهد داشت(فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰:۹۳).

[1] citizenship
[2] Citizen

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شهروندبودن، در قدم اول به معنای اقدامی است که فرد درجهت قدرت‌بخشی به خود در برابر محیطی که در آن زاده شده، انجام می‌دهد(به نقل از کاستلز[1] و دیویدسون[2]، ۹۴:۱۳۸۳).

جامعه‌ی مدنی بهترین محصول و محمل شهروندی فعال، شهروندی حوزه‌ی عمومی، شهروند خوب و شهروند همگانی محسوب می‌شود. وجه مشترک این مفاهیم مسوولیت‌پذیر و متعهدبودن شهروندان و مشارکت آن‌ها در حوزه‌ی عمومی جامعه است که فرد را به‌عنوان شهروند آن جامعه معرفی می‌کند و موجبات گسترش حوزه‌ی عمومی و توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی را فراهم می‌سازد که از این میان یکی از موانع توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی و شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی، استبداد و ساختارهای مرتبط با آن است که در تار و پود و اندیشه‌ی افراد رسوخ کرده و فرصت مشارکت و فعالیت را از شهروندان می‌گیرد و آن‌ها را نسبت به جامعه بی‌تفاوت می‌کند (فاطمی‌نیا ۱۳۸۶،۴۳:۱۳۸۶).

شهروندی با سلطه ناسازگار است؛ خواه منشأ سلطه‌ی دولت، خانواده، کلیسا، گروه قومی و هر نیروی دیگری که ما را به‌عنوان فرد مستقل و قادر به اداره‌ی خود به رسمیت نمی‌شناسد. مارشال در نظریه‌ی خود اصول و تعامل میان شهروندی و طبقه‌ی اجتماعی را در جامعه‌ای با نظام سرمایه‌داری به‌عنوان نظام پویا مطرح می‌سازد که در آن برخورد مدام میان شهروندی و طبقات اجتماعی تعیین کننده‌ی زندگی سیاسی و اجتماعی است. بدین صورت که فرآیند تضمین حقوق اجتماعی موجب فرسایش تفاوت‌های طبقاتی و قومی می‌شود و مساوات‌طلبی شهروندی را در میان اقوام مختلف تقویت می‌نماید. (اولیور[3] و هیتر[4]، ۳۴:۱۹۹۴ و فالکس[5]، ۱۳:۱۳۸۵).

در جهان معاصر مقوله‌ی حقوق شهروندی از جذابیت زیادی برخوردار بوده و تحقق آن به مهم‌ترین ملاک مشروعیت حکومت‌های دموکراتیک تبدیل گردیده است. به‌طوری‌که حتی حکومت‌های غیر دموکراتیک هم ادعای تأمین و اجرای حقوق شهروندی را دارند (ذکایی،۲۲:۱۳۸۱). در جوامع غیر دموکراتیک، به هراندازه که استبداد و بی‌عدالتی فراگیرتر باشند

[1] Castles
[2] Daidson
[3] Oliver
[4] Heater
[5] Faulks

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به همان اندازه هم توهم تعلق به جمعیت‌های تباری ژرف‌تر می‌شود و امکان واکنش جمعی و دفاع از جمع «خودی» بر بنیاد نژاد و خون نیرومندتر می‌گردد(توسلی و نجاتی حسینی،۱۳۸۳:۳۲).

در چند دهه‌ی اخیر حقوق شهروندی و اجرای درست آن به یکی از پیچیده‌ترین مسایل سیاسی و اجتماعی تبدیل شده و توجه اندیشمندان زیادی را به خود جلب کرده است. جای‌گاه حقوق شهروندی برای حل موفقیت‌آمیز مسایل مهم حکومت‌داری، یعنی نیاز به توزیع عادلانه‌ی منابع و حفظ نظم بسیار حیاتی بوده و نقش مهمی را در حل برخوردهای اجتماعی ایفا کرده است؛ چراکه رعایت و اجرای درست حقوق شهروندی منوط به شناسایی موانع ساختاری این حقوق در جامعه‌ی ایرانی؛ چگونگی برطرف‌کردن آن موانع و نحوه‌ی تغییر نگرش و اصلاح قوانین حقوق شهروندی می‌باشد(داوود وندی، ۱۳۸۹:۳۷).

یکی از موانع اجرای حقوق شهروندی رویکرد حذفی و برخوردهای متفاوت با شهروندان را شامل می‌شود. بر اساس این رویکرد شهروندان می‌توانند به برخی از حوزه‌ها و قلمروهای اجتماعی دسترسی داشته باشند؛ این درحالی است که از حق برخورداری از سایر قلمروها و مزایا محروم هستند. رویکرد حذفی متفاوت نشان می‌دهد که چگونه جامعه در راستای عدم اجرای حقوق شهروندی افراد فاقد نفوذ و رابطه‌ی خویشاوندی حرکت می‌کند و حقوق گسترده‌ای را برای سایر افراد تبارگرا به‌واسطه‌ی دارابودن نفوذ خویشاوندی و رابطه‌ی شخصی فراهم می‌سازد(فتحی واجارگاه و واحد چوکده،۱۳۹۶:۴۴).

رزاقی، منش اجتماعی یا نظام شخصیتی اغلب افراد جامعه ایران را، در محمل شرایطی که مارکس تحت عنوان «استبداد آسیایی»، دورکیم تحت عنوان «همبستگی اجتماعی مکانیکی» و ماکس وبر تحت عنوان «اقتدار سیاسی سنتی و پدرسالارانه و سلطانی» معرفی کرده‌اند، سمت وسوی خاص‌گرایانه، قوم و خویش‌گرایانه، غیر خردگرایانه و معطوف به پذیرش زور و تسلیم، سلطه‌پذیر، قیم‌پذیر و کم‌وبیش یک دست و دارای تشابه و همگونی بالا دانسته است(رزاقی،۱۳۸۱:۷). محمدی به این پدیده تحت عنوان «خویشاوندگرایی» اشاره می‌کند و آن را یکی از ویژگی‌های بارز فرهنگی که با توجه به میزان گستردگی و فراگیری می‌توان آن را در زمره‌ی بارزترین الگوهای فرهنگی جامعه برشمرد، معرفی می‌کند(محمدی، ۱۳۷۴:۳۴).

در این راستا قوم‌گرایی و هویت قومی یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های ایجاد تعلق بین‌گروهی در استان آذربایجان غربی است. تأکید افراطی بر قوم‌مداری در استان آذربایجان غربی، تحقق حقوق شهروندی را با مشکل مواجهه کرده است. با توجه به تحولات دهه‌های اخیر در استان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

آذربایجان غربی در بعد شهروندی اجتماعی و پایین‌بودن شاخص‌های توسعه‌یافتگی نظیر آمار بی‌سوادی(وجود ۹۵ هزار بی‌سواد طبق اعلام سایت اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی،۱۳۹۷)، در بعد شهروندی اقتصادی، مؤلفه‌ی «حق اشتغال و کار شایسته» وجود حداقل ۱۲هزار کولبر در مناطق کردنشین آذربایجان غربی(خضرپور و همکاران،۱۳۹۷:۴۱) و پایین‌بودن درآمد سرانه‌ی استان آذربایجان غربی به نسبت میانگین کشوری بنا بر اظهارات مقامات استانی و در بعد شهروندی سیاسی و مؤلفه‌ی «حق مشارکت در تعیین سرنوشت» مانند رد صلاحیت گسترده‌ی نامزدهای انتخاباتی، مؤلفه‌ی «حق اداره‌ی شایسته و حسن تدبیر» تقسیم مناصب اداری و سیاسی به‌عنوان یک منبع کمیاب عمدتاً بر اساس رابطه‌ی خویشاوندی و همچنین با توجه به پیشینه‌ی نظام اجتماعی و فرهنگی استان آذربایجان غربی مبتنی بر نظام ایلی طایفه‌ای و به‌زعم کارشناسان و متخصصان، گرایش به تعلقات قومی- طایفه ای و محلی تعین‌بخش بسیاری از تحولات اجتماعی و مناسبات سیاسی در آن است. موارد مذکور نشان می‌دهد که امروزه نهادها و سازمان‌های مجری رعایت حقوق شهروندی بین شهروندان آشنا و غریبه تبعیض قایل می‌شوند. هرقدر روابط خانوادگی و قومی گسترده‌تر باشد، فشار اعضای خویشاوندی و اقوام که انتظار دارند معیارها و ضوابط به‌خاطر آن‌ها زیر پا گذاشته شود، بیش‌تر خواهد بود و درنتیجه بر شدت و امتناع از اجرای حقوق شهروندی به دلایل خویشاوندگرایی، رابطه‌مداری و قوم‌مداری افزوده خواهد شد. از این رو پرسش اصلی در مقاله‌ی حاضر بدین صورت است موانع ساختاری و کنشی مؤثر بر ضعف اجرای حقوق شهروندی در استان آذربایجان غربی کدامند؟

پیشینه‌ی تجربی پژوهش

بهرامی، نیازی و سهراب‌زاده(۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن» در لرستان نشان دادند که گرایش به تعلقات قومی و طایفه‌ای با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای معنادار و معکوس دارد.

سردارنیا(۱۳۹۸) دستاوردها و موانع حقوق شهروندی زنان را در کویت از منظر نظریه‌ی ساختار- کارگزار بررسی کرده است. نتایج نشان داد عواملی همچون نهادینه‌بودن فرهنگ تابعیتی و پدرسالاری، مخالفت‌های اسلام‌گرایان و سنت‌گرایان، ضعف نسبی پیوندهای افقی در تشکلات زنان و شکاف‌های ایدئولوژیک و فکری در کنشگران، سبب شده‌اند که روند اصلاحات و دستاوردهای سیاسی برای زنان با محدودیت مواجه باشد. براساس یافته‌های این تحقیق، هر دو

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

دسته از فرصت‌ها و نیز چالش‌ها و محدودیت‌ها در ساختار حاکمیتی و در خود کنشگران، هم فرصت‌ساز و هم مانع یا محدودکننده‌ی حقوق شهروندی زنان در کویت هستند.

نتایج پژوهش میرزایی‌تبار، حسینی و صادقی (۱۳۹۶) با عنوان «ارتباط طایفه‌گرایی با حقوق شهروندی در شهرستان ممسنی» حاکی از این بود که در مناطق با ساختار عشیره‌ای ـ طایفه‌ای نظیر شهرستان ممسنی حقوق شهروندی اهمیت ویژه‌ای دارد و فرهنگ طایفه‌ای می‌تواند آن را متأثر کند. در چنین شرایط فرهنگی، مجموعه‌نیروهای داخلی، سبب تبیت مفهوم «ما» و مجموعه‌نیروهای بیرونی سبب شکل‌گیری مفهوم «آن‌ها» می‌شود. این ویژگی، به‌صورت ذهنی و عینی در جریان رأی‌دهی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه‌ی انتخابیه‌ی ممسنی جلوه‌ی ویژه‌ای دارد و اقشار با افکار جدید جامعه تحت تأثیر بخش سنتی قرار دارند.

زارعی و عسگری(۱۳۹۶) در مقاله‌ی خود باعنوان چالش‌ها و موانع فراروی تحقق حقوق شهروندی و یافتن راهکارهای عملی در نظام حقوقی ایران نشان دادند که مهم‌ترین موانع تحقق حقوق شهروندی، عدم وجود ضمانت اجرا، ابهام در مفهوم حق و تکلیف، ابهام در مصادیق و مفهوم حقوق شهروندی و عدم آگاهی شهروندان از حقوق خود می‌باشد.

امام جمعه و اشتری(۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «تبیین جامعه‌شناختی وضعیت حقوق شهروندی در سازمان‌های اجرایی اراک»، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجرای حقوق شهروندی را تبعیض در بین مراجعه‌کنندگان به سازمان‌های اجرایی می‌دانند. نتایج حاکی از آن است به افرادی که پایگاه‌های اجتماعی بالاتری دارند در برخی از سازمان‌ها با احترام بیش‌تری برخورد می‌شود؛ اما آن‌گونه نیست که به دیگران با بی‌احترامی برخورد شود. در سازمان‌های اجرایی اراک با افراد بدون توجه به اعتقادات شان به صورت یکسان برخورد نمی‌شود.

محسنی(۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی»؛ راه کارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی نشان داد که اساساً حقوق شهروندی بر سه اصل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی بنیان نهاده شده و از ارکان اصلی حقوق بشر محسوب می‌شود. حقوق شهروندی که مبتنی است بر قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله‌حقوق متقابل «دولت بر مردم» و «مردم بر دولت» و به عنوان یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی با موانع و مشکلاتی همراه است. موانع و مشکلات اجرای حقوق شهروندی در ایران، بیش از هر عامل معطوف به عدم تبیین جای‌گاه حقوق شهروندی، فقدان آموزش حقوق شهروندی و عدم نهادینه‌شدن آن در لایه‌های متعدد اجتماعی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اسلامی و نیازی(۱۳۸۹) شهروندی را دارای ابعاد و قلمروهای مختلفی می‌دانند که باید مورد توجه جدی قرار گیرد؛ شهروندی که به بعد فرهنگی آراستگی دارد، برای حقوق اجتماعی اقلیت‌ها احترام قایل است؛ به ارزش‌های فرهنگی جامعه پایبند است و در عین حال به تحمیل این ارزش‌ها به افراد دیگر اقدام نمی‌کند. قلمرو سیاسی شهروندی متضمن حق رأی، مشارکت سیاسی، برپایی انتخابات آزاد، فرصت و حق دستیابی آزادانه به مناصب سیاسی است. بعد اجتماعی شهروندی نیز رفاه و تأمین اجتماعی برای شهروندان، تأمین حداقل‌های آموزشی و بهداشتی و رفاه اقتصادی را شامل می‌شود و تلاش برای ایجاد عدالت و برابری جنسیتی، حساسیت نسبت به مسایل و مشکلات اجتماعی، تلاش در جهت ایجاد امنیت اجتماعی و رفاه، سوادآموزی، سلامت و بهداشت عمومی از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد اجتماعی شهروندی است. فرصت شغلی و کار، امرار معاش و گذراندن آبرومندانه‌ی زندگی و برخورداری از یک محیط سالم اجتماعی از مصادیق بعد اقتصادی شهروندی است و حیطه‌ی مدنی شهروندی به شیوه‌ی معمول و متعارض که در یک جامعه، شهروندان اهداف عمومی و اجتماعی خود را تعریف و تعقیب می‌کنند، اطلاق می‌گردد. درواقع این حیطه دربرگیرنده‌ی رابطه‌ی بین مردم و دولت از یک سو و مردم با نهادها و سازمان-های غیر دولتی از سوی دیگر می‌باشد. آزادی بیان، دسترسی آزاد و آسان به اطلاعات و آزادی تشکیل سازمان‌های غیر دولتی از جمله مهم‌ترین مصادیق آن به شمار می‌رود(به نقل از گنجی، نیازی و عسگری،۱۳۹۳: ۸۰).

سریع‌القلم(۱۳۸۶) نقش تبارگرایی را در اجرای حقوق شهروندی در ایران چنین برمی‌شمارد که ویژگی‌هایی چون خویشاوندگرایی، هزار فامیلی، بی‌قانونی، فردگرایی منفی، بی‌اعتمادی، فقدان اجماع و نهادگریزی تا حد زیادی ریشه در فرهنگ عشیره‌ای حاکم بر ایران دارد. عشیره‌ها در طول تاریخ ایران، نقش مهم و اساسی در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی – اجتماعی داشته‌اند و به‌قدرت-رسیدن یک ایل هم‌تبار به‌مفهوم حذف ایل و تبار دیگری بوده است که دوران رشد، اشباع و انحطاط را طی کرده بود. ایل به‌قدرت‌رسیده با استفاده از زور و ارعاب، ایلات دیگر را تحت سلطه قرار می‌داد و وحدت را با مبانی فکری و رفتاری خود بنا می‌نهاد. به این ترتیب هر عشیره‌ای می‌کوشید قدرت بیش‌تری از نظر توان نظامی فراهم کند و با دیگر عشایر برای حذف قدرت مرکزی و کسب قدرت، رقابت و مبارزه نماید. تداوم چنین فرهنگی باعث می‌شود که عنصر تبارگرایی نقش محوری بیابد. ارزیابی فرد منوط به موقعیت ایل و تبار اوست و نقش‌هایی که به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

وی تعلق می‌گیرد منحصر به وی نبوده و کل طایفه را شامل می‌شود.این خصلت عشیره‌ای در حوزه‌ی سیاست(اجرای حقوق شهروندی) و اقتصاد ایران همچنان ادامه دارد.

شیانی(۱۳۸۲) در پژوهش خود، موانع تحقق حقوق شهروندی مردم ایران را ماهیت استبدادی سیستم های سیاسی کشور، عدم توسعه و ارتقای شهروندان نسبت به حقوق خودشان، سنت‌ها و تفکرات قبیله‌ای حاکم در کشور دانست. از طرف دیگر اصلی‌ترین موانع تحقق حقوق شهروندی را فقدان منابع و فرصت‌های اجتماعی در سطح کلان جامعه عنوان نمود که بر توانمندسازی جامعه برای پاسخ‌گویی به نیازها و خواست اعضای خود باز می‌گردد و نبود آگاهی و شناخت مهارت-های فکری و مشارکتی، نبود وضعیت رفاهی مناسب و مشارکت در امور داوطلبانه و نوع نگرش‌ها و ارزش‌های افراد که به توانایی اعضای جامعه باز می‌گردد، دلالت دارد.

یورگنسون[1] (۲۰۱۲)در تحقیق خود تحت عنوان «آموزش شهروند جهانی» که در آمریکای شمالی انجام شده، به این نتیجه رسیده است که آموزش‌دهندگان شهروند جهانی با یک چالش مهم روبه‌رو هستند و آن مبارزه با نابرابری جهانی به‌عنوان یکی از عواقب استعمار و ایدئولوژی‌هایی است که از حقـوق اقلیت در برابر اکثریت حمایت می‌کنند. همچنین برای تعلیم‌دهندگان، یک فضای آموزشی آزاد برای تلاش جهت ایجاد یک جهان صلح‌آمیز و پر از عدالت لازم است.

ویترمارک و همکاران[2] (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «شهروندی شهری و بحث تنوع قومی در آمستردام»، معتقد است که شهروندسازی شهری در جوامع جنوب، می‌تواند بر برخی از چالش-هایی که ناشی از چندفرهنگ‌گرایی شهری و ناشهروندی شهری است غلبه کند. همچنین می‌توان از این راهبرد برای تقویت فرهنگ شهروندی اقلیت‌ها، که ناچیز و ضعیف است استفاده کرد؛ و نیز با تأکید بر هویت‌های شهروندی و شهری نزدیک به هم، مدیریت‌های شهری جنوب، به روش‌های مختلفی از جمله: استفاده از ساختار شهری مدیریتی به صورت نرم و سخت جهت تحقق سیاست‌های شهروندی شهری، استفاده از ظرفیت شراکتی بخش‌های عمومی و خصوصی شهری و نیز مشارکت نهادهای مدنی شهری جهت تقویت شهروندی شهری چندقومی فرهنگی، تأکید بر شهرنشینان حاشیه‌ای و جذب بیش‌تر آنان در بدنه‌ی سیاست شهری مشارکتی، می‌توانند از این ظرفیت‌ها استفاده کنند.

[1] Jorgenson
[2] Vitermark and et all

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ساسن[1] (۲۰۰۴)، در مقاله‌ای با عنوان «تغییر موقعیت شهروندی» بر این نظر است که مدیریت-های شهری ناگزیر به سمت نوع خاصی از شهروندسازی شهری روی آورده‌اند؛ لذا شهروندسازی شهری گریزناپذیر خواهد بود. به نظر ساسن شهرهای جهانی فضاهای محلی هستند که از تمام ملت‌ها و نژادها و اقوام در آن ساکن شده‌اند. برای این منظور رعایت همه‌جانبه‌ی حقوق شهروندی ساکنان شهر با حفظ هویت خاص شهروندی‌شان، مسأله‌ی سیاست شهروندی شهری را مطرح می‌کند. شبلی[2] (۲۰۰۴) در کشور لبنان به بی‌عدالتی و مساوی‌نبودن حقوق زنان در نیروی کار و حفظ حقوق شهروندی، حقوق بشر، آزادی بیان، حق رأی و نمایندگی سیاسی با وجود فشارهای مذهبی اشاره می‌کند.

بابوک[3] (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «شهروندسازی شهری، با توجه به پیامدهای سیاسی شهروندی در سطح دولت – ملت از ضرورت توجه به شهروندی در سطح شهری یاد می کند و معتقد به شهروندسازی شهری از طریق اقداماتی چون: استفاده از توان مشارکتی شهروندان برای تصمیم‌گیری، توجه به دولت‌شهر جای دولت‌ملت، بسط دموکراسی ملی از طریق دموکراسی شهری تن‌دادن به الزامات کثرت‌گرایی فرهنگی از خلال شهروندی شهری است؛ چراکه گسترش دایره‌ی شهروندی از خلال شهروندی شهری است.

مطابق پژوهش کاپوری[4] (۲۰۰۳) درک نادرست جامعه‌ی میزبان (تورنتو کانادا) از جامعه‌ی مهاجر(کاتولیک ایتالیایی) به ایجاد تفاوت در حقوق شهروندی و برخوردهای تبعیض‌آمیز منجر می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

کراجنیک شهروندی را مقوله‌ای می‌داند که باید آموخته شود و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که فرصت‌های مناسب برای آن وجود داشته باشد(فتحی و اجارگاه و چوکده،۱۳۸۸: ۱۸۸). یانگ[5] معتقد است، اقلّیت‌های زبانی و فرهنگی برای حفظ زبان و فرهنگشان باید حقوق خاص داشته باشند و در عین حال از تمام مزایای شهروندی همانند آموزش و فرصت‌های شغلی برابر نیز

[1] Sassen
[2] Schebley
[3] Baubock
[4] Capuri
[5] Young

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

برخوردار باشند. این حق، مستلزم التزام و توجّه حکومت‌ها و نهادهای عمومی به زبان‌های محلّی و فرهنگ‌های خاص است(توانا،۱۳۹۰: ۳۵-۲۸).

پارسونز[1] در حوزه‌ی شهروندی ابتدا بر حفظ دموکراسی در امریکا، در زمان جنگ جهانی دوم تأکید داشته است و برای حفظ این الگوی نگهداشت در امریکا، بر ارزش‌های فرهنگی ریشه‌دار جامعه و استمرار پیاپی آن در حوزه‌ی زندگی اجتماعی تأکید کرده است. به نظر او مهم‌ترین ارزش‌هایی که باعث تقویت دموکراسی و بسط فرهنگ شهروندی در جامعه می‌گردد عبارتند از:

الف) برخورداربودن از روحیه‌ی عقلانی، انتقادی در دانش علمی؛

ب) احترام به قانون که ابزار مناسبی برای جلوگیری از هرگونه افراط و تفریط‌گرایی در رهبری دموکراسی است؛

ج) بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی در قانون که شهروندان باید این آزادی‌ها را رعایت کنند؛

د) درک همه‌جانبه از مفهوم شهروندی(کیویستو[2]، ۹۹:۱۳۷۸).

از نظر پارسونز یک شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین، آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. مهم‌ترین مسأله‌ی مورد توجه پارسونز گروه‌هایی است که از امتیازات شهروندی محرومند. به‌عنوان مثال او این پرسش را مطرح می‌کند که «چه چیزی مانع بهره‌مندی سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده است؟» و در پاسخ به این سوال به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد. به نظر او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهند داشت(حسام،۱۱:۱۳۸۱). بنابراین، افرادی که دارای نگرش‌های خاص‌گرایانه هستند، آگاهی کم‌تری از حقوق خود دارند. در این میان آموزش نقش مهمی را در جامعه‌پذیری یکپارچه و گسترده افراد و ارائه‌ی نگرش‌های عام‌گرایانه ایفا می‌کند تا به‌تبع آن زمینه‌ی آگاهی افراد از حقوق و درنتیجه از وظایفشان فراهم شود(هزار جریبی و امانیان، ۹:۱۳۹۰).

[1] Parsons
[2] Kyivisto

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقوله‌ی شهروندی در آرای گیدنز[1] مثل همه‌ی پدیده‌های اجتماعی دیگر، با توجه به تأثیر متقابل عوامل سطح خرد و کلان تحلیل می‌شود. شهروندی دربردارنده‌ی حقوق و مسوولیت‌ها در زندگی اجتماعی است. ایده‌ای که هم اعتبار فرد را به رسمیت می‌شناسد و هم به شرایط اجتماعی که فرد در آن دست به کنش می‌زند، توجه دارد. به نظر گیدنز برای دستیابی به یک جامعه‌ی مطلوب و دموکراتیک باید میان سه دسته از عوامل تعادل برقرار شود. هرگاه این سه دسته از عوامل از تعادل خارج شوند، جامعه با مشکل مواجه خواهد شد. اول: برای هدایت و توسعه‌ی اجتماعی باید دولت باکفایتی وجود داشته باشد. دوم: یک اقتصاد مبتنی بر بازار، نیاز است که به حد کافی قوی باشد که به کامیابی اقتصادی معقول برسد. سوم: به‌طور قطع به جامعه‌ی مدنی نیاز است و بدون آن نمی‌توان دو عامل دیگر را متعادل کرد. بدون جامعه‌ی مدنی نمی‌توان فرهنگ دموکراتیک را ارتقا داد(گیدنز،۱۳۷۹:۱۲۳).

گیدنز معتقد است «همه‌ی مباحث مربوط به سیاست زندگی متضمن پرسش‌هایی درباره‌ی حقوق و تکالیف افراد است. این موضوعات ظاهراً اهمیت فزاینده‌ای در حوزه‌های عمومی و قضایی دولت‌ها به خود می‌گیرند؛ ولی تقاضاهای مداوم برای کسب حقوق و آزادی‌های رهایی-بخش وزن و اهمیت بیش‌تری می‌یابند». او برای این‌که این مسأله را روشن‌تر بیان کند از حقوق شهروندی مثال می‌زند. به نظر وی «تلاش برای توسعه و حفظ حقوق شهروندی، اهمیت بنیادین خود را همچنان حفظ کرده است. این حقوق فراهم‌آورنده‌ی عرصه‌هایی است که در متن آن‌ها می‌توان آشکارا به بحث و گفت‌وگو درباره‌ی سیاست زندگی نشست»(گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۱۶). در تعبیر گیدنز، جامعیت و شمول شهروندی در معنایی وسیع به کار برده شده است. باور به دموکراتیک‌نمودن حوزه‌ی خصوصی از نشانه‌های این جامعیت و شمول است. دموکراتیک‌نمودن حوزه‌ی خصوصی یکی از موضوعات محوری در مباحث شهروندی است. گیدنز دموکراتیک-نمودن حوزه‌ی خصوصی را یک موضوع کاملاً مرتبط و یک جزء اساسی شهروندی می‌داند. گیدنز شهروندی را در پیوند سطوح فردی و ساختاری و در راستای دموکراسی مطرح می‌کند. بنابراین در دیدگاه گیدنز، گرایش به حقوق برابر شهروندی علاوه بر تأثیرپذیرفتن از عوامل ساختاری تحت تأثیر متغیرهای سطح خرد نیز هست. بنابراین گیدنز معتقد به پیوند و ارتباط ناگسستنی و دو

[1] Giddens

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سویه‌ی میان مفهوم شهروندی و جامعه است. هم مفهوم و هم پدیده‌ی شهروندی به سه شکل با جامعه در ارتباط است. به‌طوری‌که مشاهده می‌شود مفهوم و پدیده‌ی شهروندی هم‌زمان با جامعه‌ی سیاسی(شهروندی در ارتباط با دولت و حکومت در سطوح ملّی، محلّی و شهری)، جامعه‌ی مدنی(شهروندی در ارتباط با حوزه‌ی عمومی) و نظام جامعه‌ای(شهروندی در ارتباط با نظام‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، شکل‌دهنده‌ی جامعه) در ارتباط است.

تی. اچ. مارشال[1] درباره‌ی فرهنگ شهروندی به سه نوع حقوق شهروندی اشاره کرده که این حقوق در طی سه قرن شکل گرفته است:

۱–حقوق مدنی: نخستین حقی است که در جامعه به وجود آمده است. حقوق مدنی عبارت از حقی است که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادها، آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی‌طرفانه در نظام حقوقی نسبت به همه‌ی شهروندان از جمله حقوق شهروندی مدنی است. از نظر مارشال در جایی که حقوق مدنی وجود ندارد، امکان آزادی فردی و سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز وجود ندارد.

۲–حقوق سیاسی: عبارت است از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند. شهروندی سیاسی همچنین این امکان را فراهم می‌کند که هریک از شهروندان امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی در مقام رهبری احزاب و سایر حلقه‌های قدرت را به دست آورند.

۳–حقوق اجتماعی: عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب‌پذیر را به‌منظور ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آن‌ها فراهم می‌آورد. به‌طور معمول حقوق اجتماعی شامل کمک‌های مالی و رفاهی به افراد کهن‌سال، معلول و افراد و خانواده‌های بی‌کار می‌شود. حقوق اجتماعی همچنین شامل فراهم‌آوردن شرایط مساوی بهره‌مندی امکانات آموزشی ، مسکن و سلامتی برای همه‌ی اعضای جامعه است. بر این اساس این امید خواهد بود که همگان از حداقل امنیت و امکان برابر فردی در روند رشد اقتصادی بهره‌مند شوند(عاملی،۱۳۸۰:۱۷۲–۷۳).

فالکس نخست تعریفی از شهروندی ارایه می‌دهد و آن را هویتی متضمن برابری و مبتنی بر استقلال و حقوق فردی معرفی می‌کند و آن را در مقابل هویت‌های مبتنی بر سلطه(نظیر بردگی،

[1] Marshal

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

رعیتی و...) و همچنین هویت‌های جمعی ازپیش‌تعیین‌شده (نظیر نژاد، قومیت، جنسیت، مذهب، طبقه و...) قرار می‌دهد. فالکس ارتقای شهروندی را در گام اول مستلزم رسمیت‌بخشیدن به حقوق و مسوولیت‌های شهروندان فعال و جامعه‌ی سیاسی نسبت به یکدیگر دانسته و دومین گام تأمین حقوق اجتماعی همه‌ی اعضای جامعه از طریق برآوردن نیازهای اساسی آن‌هاست. توجه به «شهروندی خصوصی» سومین شیوه‌ای است که به ارتقای شهروندی منجر می‌شود. این اصطلاح به کاربرد اصول شهروندی و زندگی خصوصی افراد می‌پردازد. شهروندی خصوصی متضمن دموکراتیک‌نمودن حوزه‌ی خصوصی با بهادادن به ارزش‌های اخلاقی مشارکت و برابری است.از آن‌جایی که دموکراتیک شدن حوزه‌ی خصوصی در نهایت با دموکراتیک شدن فرایندهای اجتماعی همراه است، به ارتقای شهروندی می‌انجامد. این صاحب‌نظر در نهایت استدلال می‌کند در یک جامعه‌ی جهانی، بقای شهروندی با اتکا به شکل بسته و انحصاری دولت‌های ملی و منطقه‌ای دشوار است.(فالکس،۱۳۸۵:۲۰).

کاستلز سه رویکرد اساسی برای شهروندی قایل است که دارای ویژگی‌ها و مفروضات متفاوتی هستند. این رویکردها عبارتند از الف) رویکرد حذفی متفاوت، ب) رویکرد جذب یا همانندسازی ج) رویکرد تکثرگرا

رویکرد حذفی متفاوت، برخوردهای متفاوتی را با شهروندان گوناگون به کار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد، شهروندان می‌توانند به برخی از حوزه‌ها و قلمروهای اجتماعی دسترسی داشته باشند و یا با اکثریت قلمروهای اجتماعی منطبق و هماهنگ باشند؛ درحالی‌که از حق برخورداری از سایر قلمروها و مزایا محروم هستند(فتحی واجارگاه و واحدچوکده،۱۳۸۵: ۴۴) این رویکرد شهروندی همچنین در مورد جوامعی که شهروندان طبقه‌بندی می‌شوند و به درجات و دسته‌جات گوناگون تقسیم‌بندی می‌شوند نیز مصداق دارد. به‌موجب این رویکرد برخی شهروندان از مزایای بسیاری برخوردارند و برخی دیگر نیز از بسیاری از مزایا و امکانات اجتماعی محروم‌اند. مکانیزم حذف می‌تواند از طریق راهکارهای قانونی و یا از طریق اقدامات و فعالیت‌های غیررسمی صورت پذیرد. در یک برداشت کلی، رویکرد حذفی متفاوت نشان می‌دهد که چگونه جامعه در راستای حذف افراد مشخص حرکت می‌کند و حقوق گسترده‌ای را برای سایر افراد جامعه به‌واسطه‌ی دارابودن پاره‌ای از ویژگی‌ها و خصوصیات فراهم می‌سازد(همان:۴۵). محروم‌سازی اجتماعی اقلیت، موجب تضعیف پیوند اجتماعی می‌شود و قوام شهروندی را به‌عنوان یک نیروی همگراکننده در جامعه‌ی معاصر زیر سوال می‌برد. محروم‌سازی

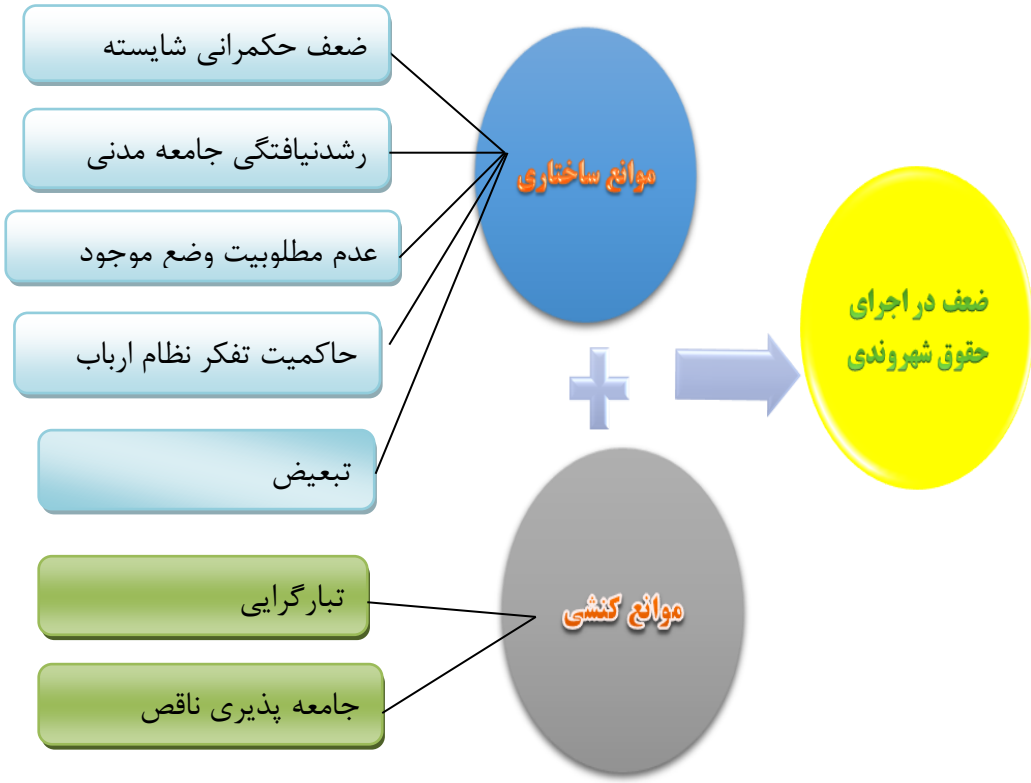
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اقلیت‌های قومی از شهروندی به‌واسطه‌ی اعمال و گفتمان‌هایی صورت می‌گیرد که در آن‌ها جنس، نژاد، طبقه‌ی اجتماعی و فرهنگ به‌عنوان عوامل تأثیرگذار به همدیگر مرتبط می‌شوند(محسنی،۱۳۸۹:۱۳۵).

چارچوب نظری پژوهش

مراجعه به منابع متعدد در زمینه‌های موضوع نشان می‌دهد که تقریباً تمام نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و پژوهش‌ها تا حدودی برخی از خصاص پدیده را توضیح می‌دهند؛ لیکن هیچ‌کدام عوامل کنشی و ساختاری را در یک مجموعه‌ی منسجم مفهومی ارائه نمی‌کنند. بنابراین، هرکدام از زاویه‌ی خاص به موضوع پرداخته و به نظر می‌رسد که تحلیل‌ها و تبیین‌ها مکمل یکدیگر هستند. پس می‌توان نتیجه گرفت که نظریه یا مدل واحدی از آن‌چه موانع تحقق حقوق شهروندی را دربرمی‌گیرد وجود ندارد؛ بلکه طیف نسبتاً وسیعی از دیدگاه‌ها و نظریه‌های سیاسی و جامعه‌شناختی با تفاسیر متفاوت و همپوشانی‌های تفاسیر قابل مشاهده است. چارچوب نظری مقاله تلفیقی از نظریه‌ی پارسونز، فالکس و گیدنز می‌باشد. مدل پیشنهادی بر اساس به‌کارگیری نظریه‌های فوق به شرح زیر می‌باشد:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



شکل شماره‌ی یک: مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

وجود تبعیض بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد.

عدم مطلوبیت وضعیت موجود در نظام حقوقی بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد.

جامعه‌پذیری ناقص بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد.

تبارگرایی بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد.

حاکمیت تفکر نظام ارباب–رعیتی بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد.

رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد.

ضعف حکمرانی مطلوب و شایسته بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد.

ضعف در اجرای حقوق شهروندی از نظر پاسخ‌گویان بر اساس قومیت آنان متفاوت است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش-نامه‌ی محقق‌ساخته انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه شهروندان بین سنین ۱۸ تا ۶۵ سال استان آذربایجان غربی نفر که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ کشور، کل جمعیت این گروه سنی ۲۱۱۶۶۸۴ نفر می‌باشند(سال‌نامه‌ی آماری استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۶). قلمرو مکانی استان آذربایجان غربی و قلمرو زمانی سال ۱۳۹۸ می‌باشد. حجم نمونه ۳۸۴ نفر از شهروندان استان آذربایجان غربی که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

$$n = \frac{Nt^2\,pq}{Nd^2 + t^2pq} = \frac{2116684 * (1.96)^2 * 0.5 * 0.5}{2116684 * (0.05)^2 + (1.96)^2 * 0.5 * 0.5} = 384$$

پس از تعیین حجم نمونه با توجه به گستردگی جغرافیایی استان آذربایجان غربی، به‌طوری‌که در خوشه‌ی اول از شمال استان شهرستان خوی(اکثریت ترک‌زبان) و سلماس(ترک و کردزبان)، از مرکز استان شهرستان ارومیه(ترک و کردزبان) و از جنوب استان شهرستان‌های نقده(ترک و کردزبان) و مهاباد و پیرانشهر(اکثریت کردزبان) انتخاب شدند؛ و سپس بر اساس روش تقسیم‌بندی جغرافیایی در پنج منطقه‌ی جغرافیایی شهرها، دو منطقه به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و در هر محله دو بلوک مورد نمونه‌گیری قرار گرفت که شهروندان آنان به‌صورت تصادفی به سوالات پرسش‌نامه پاسخ دادند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی یک- متغیرهای موجود در پژوهش و سطح سنجش آن‌ها

نام متغیر	سطح سنجش	مبانی نظری	پیشینه‌ی تجربی	تعریف عملیاتی
عدم مطلوبیت وضعیت موجود نظام حقوقی	فاصله‌ای	مارشال، گیدنز، میلر		تبعیض در اجرای قانون، ضعف در اجرای قانون، اجرای ناعادلانه‌ی اصول قانون اساسی در بین اقوام، تعارض قوانین با قوانین بین‌المللی، نبود اولویت حقوق شهروندی در قوانین مصوب، عدم مساوات در برابر دادگاه، ضعف در برخورداری از امنیت قضایی.
جامعه‌پذیری ناقص	فاصله‌ای	پارسونز، کراجینک	صفر پور	آشنانکردن شهروندان با شاخص‌های دسترسی به اطلاعات، عدم برخورداری از اطلاعات به‌روز، عدم گنجاندن دروس آموزشی مرتبط با حقوق شهروندی، ضعف بسترسازی مطالبه‌گری توسط نهادهای جامعه، مهیاننمودن فرهنگ گفت‌وگو در جامعه.
تبارگرایی	فاصله‌ای	پارسونز، یانگ، کاستلز	سریع‌القلم	اصالت گروه قومی، مقدم‌دانستن مصالح قوم، عزل و نصب مدیران بر مبنای وابستگی، رأی بر مبنای طایفه‌گرایی، کسب امتیاز بر مبنای وابستگی قومی، سیطره‌ی طوایف بزرگ بر کوچک و اعتبار افراد با عضویت در طایفه.
تفکر نظام ارباب-رعیتی	فاصله‌ای	فالکس	شیانی	تابع‌پروری، سلطه‌ی سران قومی، تسلط کامل عده‌ای بر منابع جامعه، نفی تشکل‌های داوطلبانه، وابستگی مردم به دولت، گسترش تقلیدگری و کنترل خرده‌نظام سیاسی.
رشدنیافتگی جامعه مدنی	فاصله‌ای	گیدنز	شیانی	شرکت مردم در تجمعات با اجازه‌ی سران قوم، عادی‌شدن دورزدن قوانین، رابطه‌گرایی، عادی‌شدن رشوه، خرید مخالفین با پول، عدم مطالبه‌گری، تغییر نظر مردم در موقعیت‌های مختلف، دنباله‌روی از یک نفر.
ضعف حکم-رانی شایسته	فاصله‌ای	گیدنز		عدم توجه به ارزش‌های فرهنگی اقوام، امکان گفت‌وگوی آزاد و خردمندانه، استفاده‌نکردن از ظرفیت نخبگان اقوام، ضعف در تربیت شهروندی، بالابردن سواد اجتماعی، استفاده‌نکردن از اقوام در مسوولیت‌های اجرایی، عدم احساس مسوولیت به مردم و ضعف بسترسازی دسترسی به اطلاعات
تبعیض	فاصله‌ای	کاستلز، پارسونز	امام جمعه و اشتری،	فرصت‌های نابرابر استخدام،امکانات رفاهی نابرابر، توزیع ناعادلانه امکانات اقتصادی،فرصت‌های نابرابر شکوفایی استعدادها، نابرابری در اجرای مراسم مذهبی، ضعف انتشار نشریات به زبان مادری

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی دو- ضریب نهایی پایایی پرسش‌نامه بر اساس آلفای کرونباخ

متغیرهای سازه‌ای	تعداد گویه	آماره آلفا	متغیرهای سازه‌ای	تعداد گویه	آماره آلفا
ضعف در اجرای حقوق شهروندی	۱۱	۰/۸۲۶	تبارگرایی	۶	۰/۷۳
تبعیض	۹	۰/۸۷	حاکمیت تفکر نظام ارباب-رعیتی	۶	۰/۷۲۱
عدم مطلوبیت وضع موجود نظام حقوقی	۱۷	۰/۸۹۶	رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی	۸	۰/۸۵
جامعه‌پذیری ناقص	۹	۰/۹۱۸	ضعف حکمرانی شایسته	۱۰	۰/۹۳۷

برای سنجش ضعف در اجرای حقوق شهروندی از گویه‌هایی نظیر عدم اجرای حقوق شهروندی در ابعاد حقوق اساسی شامل حق استخدام‌شدن، حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن، تساوی در برابر قانون، انتقاد بدون ترس، آزادی عقیده و بیان، حق رأی، حق تشکیل اجتماعات، انتشار نشریه، فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی، برخورداری از تسهیلات آموزشی، تعیین سرنوشت سیاسی، آسایش خاطر و اقتصاد صحیح و عادلانه استفاده شده است. با توجه به جدول (۳) همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار آزمون KMO برای شاخص ضعف در اجرای حقوق شهروندی برابر با ۰/۸۶۷ می‌باشد. پس داده‌های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل زیربنایی و بنیادی می‌باشند. همچنین نتیجه‌ی آزمون بارتلت(۱۶۲۲/۶۵۵) که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، ماتریس همانی و واحد نمی‌باشد؛ به‌عبارتی از یک طرف بین گویه‌های داخل هر عامل همبستگی بالایی وجود دارد و از طرف دیگر بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر هیچ‌گونه همبستگی مشاهده نمی‌شود که نشان از اعتبار این سازه می‌باشد.

جدول شماره‌ی سه- نتایج آزمون‌های kmo و کرویت بارتلت ضعف در اجرای حقوق شهروندی

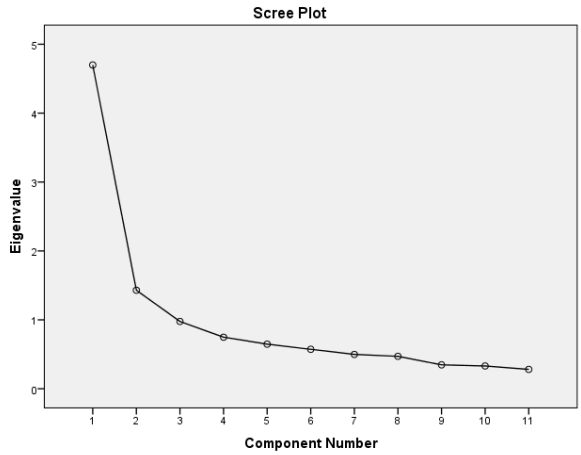
آزمونKMO	آزمون کرویت و بارتلت	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
۰/۸۶۷	۱۶۲۲/۶۵۵	۵۵	۰/۰۰۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پس از این تحلیل عاملی به منظور دستیابی به ساختار ساده‌تر از روش چرخش متعامد واریماکس استفاده شد. نمودار صخره‌ای نشان می‌دهد که در تحلیل عاملی ۲ عامل استخراج‌شده، روی هم ۵۵/۷۱ ٪ از واریانس ضعف در اجرای حقوق شهروندی را تبیین می‌کردند.

جدول شماره‌ی چهار- مؤلفه‌های استخراج‌شده تحلیل عاملی نهایی پرسش‌نامه ضعف در اجرای حقوق شهروندی

مؤلفه	استخراج اولیه			استخراج بعد از چرخش واریماکس		
	کل	درصد واریانس	درصد تراکمی	کل	درصد واریانس	درصد تراکمی
اول	۴/۶۹۸	۴۲/۷۱۲	۴۲/۷۱۲	۴/۶۸۲	۴۲/۵۶۰	۴۲/۵۶۰
دوم	۱/۴۳۰	۱۲/۹۹۹	۵۵/۷۱۱	۱/۴۴۷	۱۳/۱۵۱	۵۵/۷۱۱



نمودار شماره‌ی یک- نمودار اسکری کتل مربوط به ضعف در اجرای حقوق شهروندی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی پنج- ماتریس بارهای عاملی سوال‌های پرسش‌نامه‌ی ضعف در اجرای حقوق شهروندی بر روی مؤلفه‌های استخراج‌شده

سؤال	گویه	عناوین عامل‌ها	مؤلفه‌های استخراج-شده پس از چرخش به روش واریماکس	
			اول	دوم
۱۰	همه مردم حق برخورداری از امکانات مختلف (آموزشی، بهداشتی، بیمه، مسکن و...) را دارند.	ضعف در اجرای حقوق مدنی و اجتماعی	۰/۷۸۰	۰/۱۳۹
۷	همه مردم حق برخورداری از فضای سالم برای فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی و صرف اوقات فراغت را داشته باشند.		۰/۷۷۷	-۰/۰۰۷
۱۱	همه افراد جامعه حق دارند از امنیت کامل برخوردار باشند.		۰/۷۷۱	۰/۰۱۲
۹	همه افراد جامعه فرصت‌های یکسانی برای رشد و پیشرفت داشته باشند.		۰/۷۶۲	۰/۱۱۰
۸	همه مردم صرف نظر از قومیت، حق برخورداری از تسهیلات آموزشی بدون تبعیض را داشته باشند.		۰/۷۵۸	۰/۰۲۳
۲	قومیت‌ها باید حق انتشار کتاب و نشریات به زبان مادری را داشته باشند.		۰/۷۱۹	۰/۰۷۷
۵	هر فردی می‌تواند از حق تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها بهره‌مند شود.		۰/۶۳۳	۰/۱۱۷
۴	در همه‌ی دادگاه‌ها، طرفین دعوی از هر قومی که باشند، از سیستم دادرسی عادلانه برخوردارند.		۰/۶۲۴	-۰/۰۱۸
۱	همه افراد صرف نظر از جنسیت، قومیت، دین و مذهب در برابر قانون مساوی باشند و مورد حمایت قرار گیرند.		۰/۶۱۴	-۰/۳۰۵
۶	همه افراد جامعه باید بتوانند بدون ترس و نگرانی از کارهای حکومت انتقاد کنند	ضعف در اجرای حقوق سیاسی	-۰/۰۵۹	۰/۸۳۴
۳	همه مردم باید حق رأی داشته باشند حتی اگر نتوانند این کار را درست انجام دهند.		۰/۱۷۷	۰/۷۷۸

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یافته‌های پژوهش

داده‌های تحقیق حاصل استخراج پرسش‌نامه‌هایی است که توسط ۳۸۴ شهروند استان آذربایجان غربی تکمیل گردیده و اساس تجزیه‌وتحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است که با استفاده از بسته‌ی نرم‌افزاری برای علوم اجتماعی(spss24) مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته‌اند. از تعداد نمونه‌ی آماری ۵۳/۶ درصد از پاسخ‌گویان مورد مطالعه، ترک‌زبان و ۴۶/۴ درصد نیز کردزبان می‌باشند. ۶۵/۶ درصد از پاسخ‌گویان مورد مطالعه مرد و ۳۴/۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۲۸/۶ درصد از پاسخ‌گویان در گروه سنی ۱۸ تا ۲۷ سال، ۳۳/۱ درصد ۲۸ تا ۳۷ سال، ۲۵/۵ درصد ۳۸ تا ۴۷ سال، ۱۲/۸ درصد در گروه سنی ۴۸ تا ۶۷ سال قرار دارند. وضعیت تحصیلی پاسخ‌گویان نشان‌گر این است ۲/۳ درصد بی‌سواد، ۳/۴ درصد ابتدایی، ۶ درصد راهنمایی، ۷ درصد متوسطه، ۱۲/۸ درصد دیپلم، ۱۳ درصد فوق دیپلم، ۲۷/۳ درصد لیسانس، ۲۴/۲ درصد فوق لیسانس و ۳/۹ درصد پاسخ‌گویان مورد مطالعه تحصیلات دکتری دارند.

میانگین نمره ضعف در اجرای حقوق شهروندی برابر با ۳/۸۱ است که این نمره در مقایسه با دامنه‌ی نمره(۱/۸۲تا ۵) در حد متوسط به بالا است. میانگین میزان وجود تبعیض از نظر پاسخ‌گویان مورد مطالعه ۳/۱۹ می‌باشد که این نمره در مقایسه با دامنه‌ی نمره(۱ تا ۵) در حد متوسط است. میانگین میزان عدم مطلوبیت وضعیت موجود در نظام حقوقی از نظر پاسخ‌گویان مورد مطالعه ۳/۱۰ که این نمره در مقایسه با دامنه‌ی نمره (۱/۱۸ تا ۵) در حد متوسط است. میانگین میزان جامعه‌پذیری ناقص پاسخ‌گویان مورد مطالعه ۳/۲۸ که این نمره در مقایسه با دامنه‌ی نمره (۱ تا ۵) در حد متوسط است. میانگین میزان تبارگرایی از نظر پاسخ‌گویان مورد مطالعه ۳/۲۷ که این نمره در مقایسه با دامنه‌ی نمره(۱/۱۷ تا ۵) در حد متوسطی است. میانگین میزان حاکمیت تفکر نظام ارباب–رعیتی از نظر پاسخ‌گویان مورد مطالعه ۳/۲۷ که این نمره در مقایسه با دامنه‌ی نمره(۱ تا ۵) در حد متوسطی است. میانگین میزان رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی از نظر پاسخ‌گویان مورد مطالعه ۳/۴۷ که این نمره در مقایسه با دامنه‌ی نمره(۱/۳۸ تا ۵) در حد متوسطی است. میانگین میزان ضعف حکم‌رانی مطلوب و شایسته از نظر پاسخ‌گویان مورد مطالعه ۲/۶۱ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه‌ی نمره(۱ تا ۵) در حد متوسطی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

آزمون فرضیه‌های پژوهش

در قسمت تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های آماری متناسب با سطح سنجش متغیرها، داده‌های تحقیق مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته است. در این بخش برای سنجش و ارزیابی رابطه بین متغیرهای مستقل(تبعیض، عدم مطلوبیت وضعیت موجود در نظام حقوقی، جامعه‌پذیری ناقص، تبارگرایی، حاکمیت تفکر نظام ارباب-رعیتی، رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی، ضعف حکم‌رانی مطلوب و شایسته (که در سطح سنجش فاصله‌ای و توزیع نرمال با متغیر وابسته (ضعف دراجرای حقوق شهروندی) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آزمون به شرح ذیل می‌باشد.

جدول شماره‌ی شش- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و ضعف در اجرای حقوق شهروندی

همبستگی پیرسون		حجم نمونه	همبستگی	سطح معناداری
ضعف در اجرای حقوق شهروندی	تبعیض	۳۸۴	۰/۱۳۹	۰/۰۰۷
	عدم مطلوبیت وضعیت موجود نظام حقوقی	۳۸۴	۰/۰۶۴	۰/۲۰۸
	جامعه‌پذیری ناقص	۳۸۴	۰/۱۰۵	۰/۰۴
	تبارگرایی	۳۸۴	۰/۲۸۹	۰/۰۰۱
	حاکمیت تفکر نظام ارباب-رعیتی	۳۸۴	۰/۳۱۸	۰/۰۰۱
	رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی	۳۸۴	۰/۴۵۲	۰/۰۰۱
	ضعف حکمرانی مطلوب و شایسته	۳۸۴	۰/۱۷۸	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۶، ملاحظه می‌شود که به‌جز متغیر عدم مطلوبیت وضعیت موجود نظام حقوقی، بقیه‌ی متغیرها با ضعف در اجرای حقوق شهروندی رابطه‌ی مستقیم و مثبت دارند. نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری حداقل در سطح ۹۵ درصد بین ضعف در اجرای حقوق شهروندی و متغیرهای تبعیض(r=۰/۱۳۹)، جامعه‌پذیری ناقص(r=۰/۱۰۵)، تبارگرایی(r=۰/۲۸۹)، حاکمیت تفکر نظام ارباب-رعیتی(r=۰/۳۱۸)، رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی(r=۰/۴۵۲)، ضعف حکم‌رانی مطلوب و شایسته(r=۰/۱۷۸) وجود دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی هفت- مقایسه‌ی ضعف در اجرای حقوق شهروندی بر اساس قومیت پاسخ‌گویان

		تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	t	F	سطح معنی-داری
ضعف در اجرای حقوق شهروندی	ترک	۲۰۶	۳/۷۵	۰/۷۱	۳۸۲	-۱/۶۳۳	۱/۵۴	۰/۱۰۳
	کرد	۱۷۸	۳/۸۸	۰/۷۵				

طبق اطلاعات جدول ۷، بر اساس نتایج آزمون تی مستقل، میانگین ضعف در اجرای حقوق شهروندی از نظر پاسخ‌گویان ترک‌زبان ۳/۷۵ و میانگین ضعف در اجرای حقوق شهروندی از نظر پاسخ‌گویان کردزبان ۳/۸۸ می‌باشد. طبق معیار t= -۱ /۶۳۳ و p = ۰/۱۰۳>۰/۰۵ نتیجه می‌شود که ضعف در اجرای حقوق شهروندی در بین پاسخ‌گویان بر اساس قومیت آنان معنی‌دار نیست. به-عبارت‌دیگر ضعف در اجرای حقوق شهروندی در بین پاسخ‌گویان بر اساس قومیت آنان متفاوت نیست. درنهایت برای انجام تحلیل رگرسیونی کلیه‌ی متغیرهای مستقل دارای همبستگی معنادار با متغیر ضعف در اجرای حقوق شهروندی شامل تبعیض، جامعه‌پذیری ناقص، تبارگرایی، حاکمیت تفکر نظام ارباب–رعیتی، رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی، ضعف حکم‌رانی مطلوب و شایسته به روش هم‌زمان وارد مدل شدند.

جدول شماره‌ی هشت- تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه "ضعف در اجرای حقوق شهروندی"

منبع تغییرات	درجه‌ی آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی تعدیل‌شده	اشتباه معیار	F	سطح معنا داری P
اثر رگرسیون	۶	۴۸/۱۶۰	۸/۰۲۷	۰/۴۸۳	۰/۲۳۳	۰/۲۲۱	۰/۶۴	۱۹/۱۱	۰/۰۰۱
باقی‌مانده	۳۷۷	۱۵۸/۳۳۱	۰/۴۲						
کل	۳۸۳	۲۰۶/۴۹۱							

جدول شماره‌ی ۸، نشان می‌دهد که ضریب بتا برای ۶ متغیر حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است. طبق جدول شماره ضریب نهایی رگرسیون چندگانه ۰/۴۸۳= M.R و مجذور آن یعنی ضریب تعیین = ۰/۲۳۳ می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تصحیح‌شده

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

برابر۰/۲۲۱ می‌باشد. بنابراین به صورت واقعی و تعدیل‌یافته ۲۲/۱ درصد از واریانس ضعف در اجرای حقوق شهروندی توسط متغیرهای مستقل تبیین و پیش‌بینی می‌شود.

جدول شماره‌ی نه- عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی ضعف در اجرای حقوق شهروندی

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معنی‌داری
	B	Std.Error	Beta		
عدد ثابت	۲/۵۰۳	۰/۴۰۹		۶/۱۱۷	۰/۰۰۰
وجود تبعیض	۰/۰۳۲	۰/۰۵۰	۰/۰۳۹	۰/۶۳۹	۰/۵۲۳
جامعه‌پذیری ناقص	-۰/۰۹۰	۰/۰۵۹	-۰/۱۱۸	-۱/۵۲۴	۰/۱۲۸
تبارگرایی	۰/۰۵۵	۰/۰۴۸	۰/۰۶۱	۱/۱۴۴	۰/۲۵۳
حاکمیت تفکر نظام ارباب-رعیتی	۰/۱۵۵	۰/۰۵۴	۰/۱۴۴	۲/۸۵۸	۰/۰۰۴
رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی	۰/۳۰۰	۰/۰۴۹	۰/۳۴۴	۶/۰۷۲	۰/۰۰۰
ضعف حکم‌رانی شایسته	-۰/۰۸۷	۰/۰۵۸	-۰/۱۱۸	-۱/۴۸۶	۰/۱۳۸

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای موجود در معادله را می‌توان به‌صورت استانداردشده و در رابطه‌ی ریاضی زیر نشان داد:

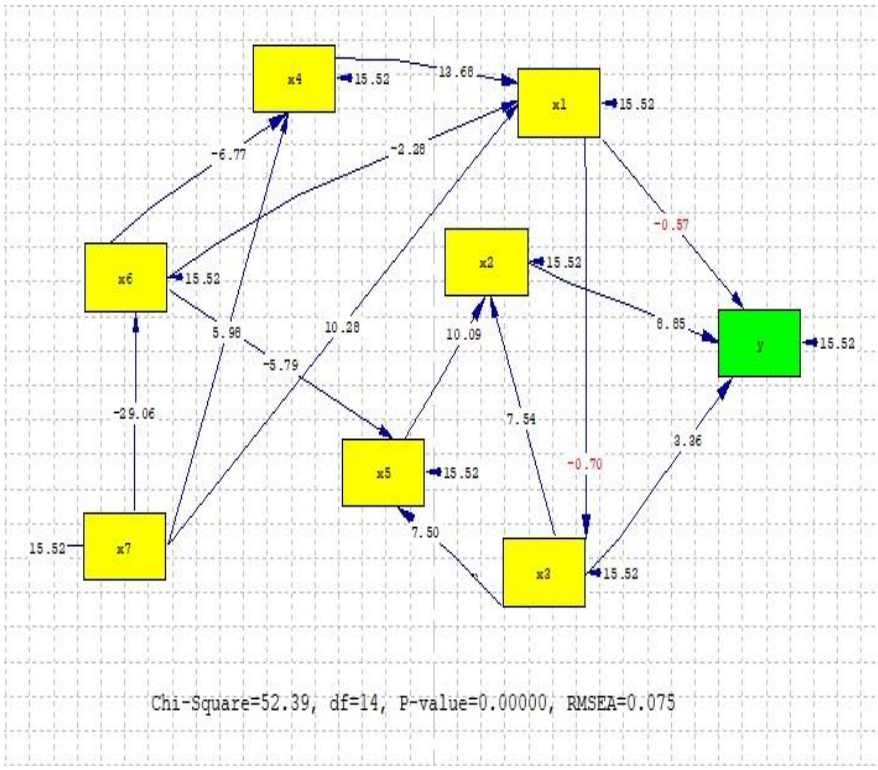
۲/۵۰۳+(حاکمیت تفکرنظام ارباب-رعیتی)۰/۱۴۴+(رشدنیافتگی جامعه‌ی‌مدنی)۰/۳۴۴=ضعف‌در اجرای‌حقوق‌شهروندی

آزمون فرضیات با روش تحلیل مسیر (مدل ساختاری)

پس از طی مراحل تصدیق مدل اندازه‌گیری و محاسبات روایی متغیرها، در این مرحله می‌توان به آزمون روابط بین متغیرهای تحقیق پرداخت. در این مرحله ابتدا مدل معناداری(t- value) را مشخص می‌کند و سپس مدل استانداردشده نیز رسم گردیده و بر اساس این مدل میزان تأثیر هریک از متغیرهای تحقیق بر یکدیگر(ضرایب مسیر یا ضرایب پارامترها: β) را بررسی می‌کند. در نمودار(۲) در تحلیل مسیر روابط بین مفاهیم با مقدار(t- value) مربوطه بررسی می‌گردد. مقادیر قرمزرنگ مقدار t کم‌تر از ۱/۹۶ داشته‌اند. اگر مقدار قدر مطلق آماره t کوچک‌تر از مقدار ۱/۹۶ باشد، فرض صفر تأیید می‌شود و به‌عبارتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد متغیرهای مربوطه بر یکدیگر تأثیر معناداری ندارند و در صورتی که مقدار قدر مطلق آماره t بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ باشد. فرض صفر رد می‌شود و به‌عبارتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد متغیرهای مربوطه بر یکدیگر

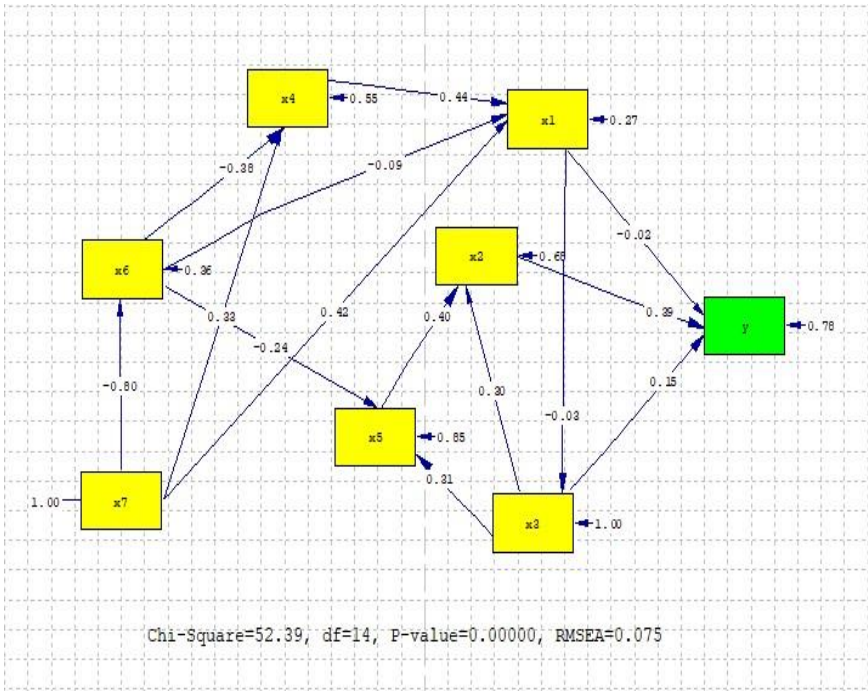
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تأثیر معناداری دارند. همچنین در نمودار(۳) تحلیل مسیر با مقادیر استاندارد نشان داده شده است. هرچه ضرایب مسیر بین مفاهیم بزرگ‌تر باشد شدت اثر مفاهیم بر روی هم بیش‌تر خواهد بود.



نمودار شماره‌ی دو- مدل معناداری تحلیل مسیر توسط نرم‌افزار لیزرل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



نمودار شماره‌ی سه- مدل استانداردشده‌ی تحلیل مسیر توسط نرم‌افزار لیزرل

جدول شماره‌ی ده- تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر "ضعف در اجرای حقوق شهروندی"

متغیر مستقل	اثرمستقیم	اثرغیرمستقیم	اثرکلی
عدم مطلوبیت وضع موجود نظام حقوقی(۱X)	۰/۰۲	۰/۰۰۸	۰/۰۲۸
رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی(۲X)	۰/۳۹	-	۰/۳۹
حاکمیت تفکر نظام ارباب-رعیتی(۳X)	۰/۱۵	۰/۱۶۵	۰/۳۱۵
تبعیض(۴X)	-	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲
تبارگرایی(۵X)	-	۰/۱۵۶	۰/۱۵۶
ضعف حکم‌رانی شایسته(۶X)	-	۰/۰۴۴	۰/۰۴۴
جامعه‌پذیری ناقص(۷X)	-	۰/۰۵۱	۰/۰۵۱

همان‌طور که در جدول ۱۰ ملاحظه می‌شود متغیر رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی بیش‌ترین تأثیر را بر متغیر وابسته(ضعف در اجرای حقوق شهروندی) دارد. در رتبه‌ی دوم تأثیرگذاری حاکمیت تفکر نظام ارباب-رعیتی قرار دارد. در رتبه‌ی سوم تأثیرگذاری تبارگرایی و در رتبه‌ی چهارم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تأثیرگذاری جامعه‌پذیری ناقص قرار دارد. در رتبه‌ی پنجم تأثیرگذاری متغیر ضعف حکم‌رانی شایسته، در رتبه‌ی ششم تأثیرگذاری متغیر تبعیض بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر دارد.

آزمون برازندگی مدل ساختاری

با توجه به این‌که مدل توسط نرم‌افزار لیزرل ترسیم شده است، برای بررسی برازش مدل چند شاخص وجود دارد که در جدول ۱۱ به آن‌ها اشاره شده است. شاخص RMSEA، هرقدر به ۰/۰۵ نزدیک و از ۰/۰۸ کوچک‌تر باشد(به صفر نزدیک‌تر باشد)، برازش بیش‌تر مدل را نشان می‌دهد. مقادیر GFI و AGFI، هرچه به عدد یک نزدیک‌تر باشد، مدل ارائه‌شده مدل بهتری می‌باشد. خلاصه نتایج تحلیل شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری در مدل تحقیق استاندارد شده تحلیل مسیر در جدول(۱۱) قابل مشاهده می‌باشد. همان‌طور که از جدول مشاهده می‌شود درنهایت با توجه به شاخص‌ها و خروجی‌های نرم‌افزار، مدل برازش مطلوبی دارد.

جدول شماره‌ی یازده- شاخص‌های نیکویی برازش

شاخص	CFI	NNFI	NFI	GFI	RMSEA	AGFI	df	χ^2
آستانه پذیرش	۰/۹<	۰/۹<	۰/۹<	۰/۹<	۰/۰۸>	۰/۹<		
مقدار	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۰۷۵	۰/۹۳	۱۴	۵۲/۳۹

بحث و نتیجه‌گیری

موانع موجود در ساختار جامعه‌ی ایران دارای اجزای مختلف و پیچیدگی خاص است که در روابط متقابل با یکدیگر قرار دارند.این ضرورت‌های ساختاری و کنشی موجب گردیده تا ارکان جامعه غیرشهروندمدار گردند. به بیان دیگر، با حاکمیت استبداد طی قرن‌ها از یک سو و حاکمیت تفکر نظام ارباب-رعیتی از سوی دیگر فقدان شهروندی قابل مشاهده است. در جامعه‌ی ایران، در یک تناقض تاریخی گاه حرکت به سوی شهروندی و گاه انقطاع حرکت به سوی آن وجود داشته است. این بستر اجتماعی ویژگی‌های خاصی را در نهادها، روابط و نگرش‌های افراد نهادینه کرده است. با وجود اهمیت ساختار تاریخی ایران، بایستی توجه داشت که جهان در حال گسترش ارتباطات اجتماعی مهم است. نتایج حاصل از مقاله نشان داد که موانع ساختاری شامل رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی، حاکمیت تفکر نظام ارباب-رعیتی و ضعف حکم‌رانی شایسته، تبعیض و موانع

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

کنشی شامل تبارگرایی و جامعه‌پذیری ناقص بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی در استان آذربایجان غربی تأثیر دارند. شرایط ساختاری هر جامعه و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن می‌تواند زمینه‌ی بهینه یا نامطلوب برای اجرای تحقق حقوق شهروندی به شمار آید. در داخل هر ساختار نیز برای تحقق حقوق شهروندی وجود فرصت‌های مناسب و امکان دستیابی به آن‌ها جهت رفع تبعیض‌ها و محرومیت‌ها، عرصه‌ها و فرصت‌ها برای ایجاد فضای مشارکتی و نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های شخصیتی مناسب همه‌ی مردم و ایجاد انگیزه‌ی زیست‌شهروندی ضروری هستند. به این ترتیب، شهروندی به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های اصلی جامعه در تعامل با سایر عناصر است و تحقق آن تابع ویژگی‌ها و خصایص افراد از یک سو و نظام سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از سوی دیگری می‌باشد.

نتایج حاصل از مقاله نشان می‌دهد که رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد. به باور مارشال نخستین حقی که در جامعه به وجود آمده حقوق مدنی است، حقوق مدنی عبارت است از حقی که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادها، آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی‌طرفانه در نظام حقوقی نسبت به همه‌ی شهروندان از جمله حقوق شهروند مدنی است. از منظر مارشال در جایی که حقوق مدنی وجود ندارد امکان آزادی فردی و سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز وجود ندارد. بنابراین با توجه به این‌که استان آذربایجان غربی با اقوام مختلف ساکن در آن جدای از نظام کل ایران نبود و فرهنگ نظام شرقی کم‌وبیش در آن ساری و جاری است. این موارد موجب رشدنیافتگی مدنی این ناحیه از ایران به‌صورت خاص شده است. چراکه در این جامعه غیرشهروندمدار عرصه‌های زندگی به دو عرصه‌ی خصوصی محدود به خانواده و حکومتی محدود به اعمال حاکمیت تقلیل داده شده است. درنتیجه افراد هر دو قومیتی کرد و ترک در حیطه‌ی غیر خصوصی خود را مسوول نمی‌دانند و احساس تعلق نمی‌کنند. این عدم احساس تعلق سبب می‌شود تا همه‌ی امور بر عهده‌ی حکومت قرار گیرد و جامعه از رشد مدنی خود عقب بماند. امری که امروز در کل کشور به طور عام و در استان به طور خاص به معضل جدی تبدیل شده است. از آن‌جا که در اثر رشدنیافتگی جامعه‌ی مدنی عرصه‌ی عمومی وجود ندارد یا فوق‌العاده ضعیف و کم‌رنگ است. جامعه‌ی مدنی شکل نمی‌گیرد یا در حالت جنین باقی می‌ماند و کارکردهای مهم بر عهده‌ی دیگر نهادهای جامعه گذارده می‌شود و با ضعف جامعه‌ی مدنی نهادهای معرف اراده‌ی مردم ظاهر نمی‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نتایج حاصل از مقاله نشان می‌دهد که تفکر نظام ارباب–رعیتی بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد. به‌زعم فالکس شهروندی عبارت از آن هویتی است که متضمن برابری و مبتنی بر استقلال و حقوق فردی است و آن را در مقابل هویت‌های مبتنی بر سلطه نظیر بردگی و رعیتی و همچنین هویت‌های جمعی ازپیش‌تعیین‌شده نظیر نژاد، قومیت، جنسیت، مذهب و طبقه قرار می‌دهد. پارسونز به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد به باور او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهند داشت.

بنابراین با توجه به ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استان آذربایجان غربی به طور خاص و ضرورت کارکرد نظام ارباب – رعیتی در ایران و الزامات ساختاری آن به صورت عام و از همه مهم‌تر بنا به اصل ضروری و انسجام و تعادل ساختی – کارکردی، نظام سیاسی – اجتماعی ایران نه‌تنها مشارکت مدنی را نمی‌طلبد، بلکه برای بقا و استمرار نظام کل، خرده‌نظام‌های آن تلاش می‌کنند تا لوازم مورد نیاز آن را که فرهنگ تقلیدی، مریدی، تبعیت و وابستگی به مرکز قدرت(شاه یا ارباب) است، فراهم آورند و بنا به اصل سیبرنتیک پارسونز خرده‌نظام‌های پایین‌تر نظام کل(ارباب یا شاه) انرژی لازم و خرده‌نظام‌های بالاتر آن (ارباب) فرمان‌ها و اطلاعات لازم را برای بقای نظام اجتماعی مورد نظر فراهم می‌آورند. تحقق حقوق شهروندی و توانمندسازی افراد نیازمند فرصت‌ها و زمینه‌های متعدد برای حضور و مشارکت آنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

این بسترسازی در ابعاد و سطوح مختلف جامعه مطرح بوده و راه‌های اجرایی پاسخ‌گویی در حکم‌رانی مطلوب به خواست‌های اقشار مردم تعریف شده است. عدم تمرکز قدرت به سبک نظام استبدادی و تفکر ارباب – رعیتی در ابعاد و حوزه‌های مختلف و تبدیل افراد به عاملان فعال و مؤثر نه افراد تابع و وابسته مستلزم بازشدن و گستردگی فضاهایی است که همه بدون توجه به نژاد، قومیت و مذهب بتوانند درآن مشارکت کنند.ایجاد فرصت‌ها و زمینه‌ها جهت گفت‌وگو و گفتمان افکار، برون‌ریزی تنش‌ها و دستیابی به قواعد و انجام در سطح عام بسیار ضروری است؛ چراکه در گفتمان آزاد با دیگران هم در سطح محلی، ملی و جهانی افراد اهداف مشترک را کسب می‌کنند و حتی تعیین می‌شود که آنان چه کسانی هستند و چه کسانی خواهند شد. افزون بر آن، نهادها و فرایندهایی که امکان مشارکت را فراهم می‌سازند، می‌توانند در ایجاد انگیزه و نگرش مثبت نیز بسیار اثرگذار باشند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نتایج حاصل از مقاله نشان داد ضعف حکم‌رانی مطلوب و شایسته بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد. بر طبق نظریه‌ی مارشال در یک حکم‌رانی مطلوب عنصر اجتماعی اهمیت دارد که عبارت است از طیف وسیعی از حقوق که حق برخورداری حداقلی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به عنوان یک موجود متمدن معیارهای حاکم به یک جامعه را دربرمی‌گیرد. به باور مارشال حقوق اجتماعی عبارت است از فراهم‌شدن امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب‌پذیر به منظور ایجاد تعادل در زندگی آن‌ها. از جانب دیگر نتایج پژوهش حاضر با پژوهش ویترمارک(۲۰۰۵) همخوانی دارد که معتقد است از ظرفیت شراکتی بخش‌های عمومی و خصوصی شهری و نیز مشارکت نهادهای مدنی شهری جهت تقویت شهروندی شهری چند قومی فرهنگی، تأکید بر شهرنشینان حاشیه‌ای و جذب بیش‌تر آن‌ها در بدنه‌ی سیاست شهری مشارکتی است. بنابراین استان آذربایجان غربی تحت لوای حکم‌رانی شایسته باید تمامی اقوام حق مشارکت داشته و فرصت‌های برابر را تجربه کنند؛ چراکه به‌زعم آن‌ها اگر حق انتخاب نداشته باشند و فعال نباشند موقعیت شهروندی برایشان بی- معنی خواهد بود. شهروندان استان برای احقاق حقوق شهروندی خود از هر قومیتی خواهان تحول جامعه‌ی خود از همبستگی خونی تباری و قومی به همبستگی فراطایفه‌ای در اجتماعات شهری هستند.

نتایج حاصل نشان می‌دهد که تبارگرایی بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد. تبارگرایی نوعی احساس و انگیزه‌ی درونی در افراد ساکن در مکان‌ها و فضای جغرافیای خاص در میان تبار خاص است که ارزش‌های مرتبط با نحوه‌ی ادراک از مکان و تبار خویش را بر ارزش‌های فراتر از محل یا مرتبط طوایف و غیر خودی دیگر ترجیح می‌دهند. لذا با توجه به تداوم زندگی ایلی و عشایری در استان مرزنشین آذربایجان غربی ساختار اجتماعی زندگی ایلی آن‌چنان ساده است که نیازمند نهادهای پیچیده نیست و بر پایه‌ی خانواده، گروه‌های خویشاوندی در قالب خاندان، کلان و عشیره و ایل استوار است. در این اجتماع فردیت و حقوق فردی معنا نداشته، بلکه به‌خاطر عضویت در قوم و عشیره از اهمیت برخوردار است. نتیجه‌ی حاصل از مقاله با یافته‌های بهرامی، نیازی و سهراب‌زاده(۱۳۹۸)، میرزایی تبار، حسینی و صادقی(۱۳۹۶) و سریع‌القلم(۱۳۸۶) در یک راستا می باشد.

نتایج نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری ناقص بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد. یعنی هرچه جامعه‌پذیری شهروندان ناقص شود، ضعف در اجرای حقوق شهروندی بیش‌تر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

می‌شود.از آن‌جا که تربیت شهروند از طریق آموزش و آگاهی در شناخت حقوق شهروندی خود بسیار حائز اهمیت می‌باشد، پارسونز بر این باور است، افرادی که دارای نگرش‌های خاص‌گرایانه هستند، آگاهی کم‌تری از حقوق خود دارند. در این میان آموزش نقش مهمی را در جامعه‌پذیری یکپارچه و گسترده‌ی افراد و ارائه‌ی نگرش‌های عام‌گرایانه ایفا می‌کند تا به‌تبع آن، زمینه‌ی آگاهی افراد از حقوق و به‌تبع آن از وظایفشان فراهم شود. همچنین یانگ معتقد است، اقلّیت‌های زبانی و فرهنگی برای حفظ زبان و فرهنگ‌شان باید حقوق خاص داشته باشند و در عین حال از تمام مزایای شهروندی همانند آموزش و فرصت‌های شغلی برابر نیز برخوردار باشند. این حق، مستلزم التزام و توجّه حکومت‌ها و نهادهای عمومی به زبان‌های محلّی و فرهنگ‌های خاص است.

نتایج حاصل نشان داد که وجود تبعیض بر ضعف در اجرای حقوق شهروندی تأثیر معنادار دارد. پارسونز معتقد است شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. پارسونز بر این باور است که در گذشته، تفاوت‌های مبتنی بر مذهب، قومیت با سرزمین آن- قدر مهم بود که تعیین می‌کرد چه کسانی عضو جامعه به‌شمار می‌آیند یا از عضویت در آن محروم می‌گردند. از جانب دیگر فالکس اعتقاد دارد که در شرایط جهانی‌شدن اگر اجازه‌ی تداوم و نابرابری‌ها داده شود، هیچ شهروند اجتماعی در هیچ کجای جهان نمی‌تواند تضمین شود. بر این اساس ضرورت تعمیق برابری از جمله در زمینه‌ی رفاه اقتصادی و رفاه اجتماعی، چه در جوامع پیشرفته و ثروتمند و چه در کشورهای فقیر برای تحقق حقوق شهروندی لازم و ضروری است. بنابراین توزیع نابرابر منابع کمیاب میان اقوام مختلف مردم ایران عنصر مهمی در عقب‌ماندگی و محرومیت اجتماعی افراد، گروه‌ها و اجتماعات از شهروندی خواهد بود؛ چراکه حقوق شهروندی متضمن توزیع منابع کم‌یاب بدون توجه به رنگ، مذهب، نژاد و... است و تعهدات و تکالیف و احساس تعلق نیز در یک بستر اجتماعی اعمال می‌شود. پس اگر جامعه نتواند به‌طور شفاف موانع ساختاری فرهنگی و منابع لازم را فراهم و یا به نفع بخش‌هایی از جامعه منابع را به‌طور عادلانه و بدون تبعیض توزیع کند، اجرای حقوق شهروندی ادامه پیدا خواهد کرد. ابعاد مختلف موانع ساختاری و کنش در بخش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل شناسایی بوده و در قالب آگاهی به صورت جامعه‌ی شفاف و اطلاع‌رسان از یک سو و شناخت تجربه و مهارت‌ها از سوی دیگر، دسترسی به اطلاعات شفاف، زمان و وقت و امکانات رفاهی برای شهروندی ضروری است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نگرش دربرگیرنده‌ی مجموعه جهت‌گیری‌های نظام شخصیت افراد نسبت به امور مختلف است. این جهت‌گیری‌ها می‌تواند به ابعاد مختلف شناختی، ارزشی و انتخابی و کنش طبق رهیافت پارسونز تقسیم شود. ابعاد جهت‌گیری به ترتیب نگریستن و تلقی، احساس تعهد، انتخاب و تصمیم‌گیری و ارتباط کنشی نسبت به موضوع خاص است تا با ایجاد انگیزه‌ی لازم زمینه‌ی عمل به حقوق و اجرای وظایف نسبت به جامعه‌ای که فرد عضو آن است، فراهم گردد. این مسأله در حقیقت دستیابی به ارزش و هنجارهای عام بوده که یکی از مؤلفه‌های اساسی برای اجرای تحقق حقوق شهروندی در نظر گرفته شده است. به بیان دیگر، برای تحقق اجرای حقوق شهروندی افراد نیازمند اخلاق و نگرش‌هایی هستند که پذیرش عمل به حقوق و وظایف است. با ترکیب دیدگاه‌ها و مباحث نظری مربوط به شهروندی می‌توان نتیجه گرفت که شهروندی مفهوم یکپارچه نبوده و پویایی این فکر لزوم توجه به تجربه‌ها و بسترهای تاریخی آن را در هر جامعه آشکار می‌سازد.

از این رو پیشنهاد می‌شود راهکارهای علمی و اجرایی به منظور تحول و رفع موانع ساختاری با توجه به دو عنصر مهم و اساسی در تحقق حقوق شهروندی یعنی آموزش و آگاه‌سازی از یک طرف و کسب تجربه و مهارت از سوی دیگر در سطوح مختلف ارائه شود.

در راستای شناسایی کمبودها و مشکلات مناطق مرزی قومیتی و آگاهی از نیازها و خواست-های افراد ساکن در آن مناطق و توزیع عادلانه‌ی منابع برای رفع نیازها و کمبودهای آنان تلاش‌های کافی و وافی انجام گیرد.

شناسایی و بسترسازی در راستای مشارکت داوطلبانه مناطق مرزی و محروم و سازمان‌دهی آن‌ها در حوزه‌های عمومی جامعه از ضروریات در این مناطق است. طراحی و اجرای کارگاه‌های آموزشی در زمینه‌های تربیت و جامعه‌پذیرکردن افراد درباره‌ی امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، مشارکت، رابطه‌ی مناسب دولت و مردم در استان مد نظر قرار گیرد و برنامه‌ریزی کارشناسانه در راستای نهادینه‌کردن حقوق و تکالیف شهروندی در عرصه‌های عمومی و خصوصی جامعه تدوین شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. اسلامی، احمد، محسن نیازی (۱۳۸۹) مبانی حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه، تهران: نشر سخنوران.

۲. امام جمعه، فرهاد و کیان اشتری (۱۳۹۱) «تبیین جامعه‌شناختی وضعیت حقوق شهروندی در سازمان‌های اجرایی جامعه‌ی شهری اراک»، فصل‌نامه‌ی پژوهشی اجتماعی، سال۶، شماره‌ی ۱۹: ۴۳-۱۳.

۳. بهرامی، ولی، نیازی، محسن و مهران سهراب زاده(۱۳۹۸) «بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن(مطالعه‌ی موردی: لرستان)، فصل‌نامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره‌ی ۳۸: ۷۴-۳۵.

۴. توانا، محمدعلی (۱۳۹۰) برابری جنسیتی در نظریه‌ی شهروندی متمایز آیریس ماریون یانگ، فصل‌نامه‌ی زن در توسعه و سیاست، ۹(۴): ۴۲-۲۷.

۵. توسلی، غلام عباس، سیدمحمود نجات حسینی (۱۳۸۳) «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲: ۶۲-۳۲.

۶. حسام، فرحناز (۱۳۸۱) «هویت شهروندی»، فصل‌نامه‌ی اندیشه و پژوهش، سال ۵، شماره‌ی ۵۱: ۱۳-۱۱.

۷. خضرپور، محمد، صمدیان، منیرالسادات و رضا بیگدلو (۱۳۹۷) «تحلیل و شناسایی عوامل مؤثر بر برقراری امنیت پایدار در راستای حل معضل کولبری(مورد مطالعه: شهرستان‌های پیرانشهر، سردشت، بانه و مریوان)»، پژوهش‌نامه‌ی جغرافیای انتظامی، سال ششم، شماره‌ی بیست و چهارم: ۶۶-۳۷.

۸. داوودوندی، طاهره (۱۳۸۹) «بررسی عوامل مؤثر بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانش‌جویان دانش‌گاه علامه طباطبایی، دانش‌گاه آزاد اسلامی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانش‌گاه علامه طباطبایی.

۹. ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۱) اخلاق شهروندی، رابطه‌ی هویت‌یابی جمعی و ارزش‌های دیگرخواهانه، نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵: ۸۰-۶۱.

۱۰. رزاقی، حمید (۱۳۸۱/۰۷/۲۵) «فردیت در تاریخ اجتماعی ایران»، همشهری، شماره‌ی ۲۸۷۱: ص۷

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۱. زارعی، معصومه و سید امین عسگری (۱۳۹۶) «چالش‌ها و موانع فراروی تحقق حقوق شهروندی و یافتن راهکارهای عملی در نظام حقوقی ایران»، نخستین کنگره‌ی بین‌المللی حقوق ایران با رویکرد حقوق شهروند، تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی توسعه‌ی داتیس.

۱۲. https://www.civilica.com/Paper-LAWICONF01-LAWICONF01_016.html .

۱۳. سال‌نامه‌ی آماری استان آذربایجان غربی (۱۳۹۶) ارومیه: سازمان مدیریت‌وبرنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی.

۱۴. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۸) «دستاوردها و موانع حقوق شهروندی زنان در کویت از منظر نظریه‌ی ساختار- کارگزار»، فصل‌نامه‌ی سیاست، ۴۹(۲): ۳۷۲-۳۵۳.

۱۵. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶) مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران، تهران: مرکز پژوهش-های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

۱۶. شیانی، ملیحه (۱۳۸۲) «وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران»، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۷. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۰) «تعامل جهانی‌شدن»، تهران، نامه‌ی علوم اجتماعی، ۹(۱۸): ۱۶۷-۲۰۰.

۱۸. علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸) «پلیس و آموزش حقوق شهروندی»، فصل‌نامه‌ی راهبردی، شماره‌ی ۴۴: ۷۰-۴۷.

۱۹. فاطمی‌نیا، سیاوش (۳۸۶) «عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانش‌گاه شهید بهشتی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.

۲۰. فالکس، کیث (۱۳۸۵) شهروندی، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

۲۱. فتحی، سروش و مهدی مختارپور (۱۳۹۰) توسعه‌ی شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی، فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، ۳(۴): ۱۰۵-۸۹.

۲۲. فتحی، کوروش و سکینه واحد چوکده (۱۳۸۵) «شناسایی آسیب‌هایی تربیتی شهروندی در برنامه‌ی درسی پنهان نظام آموزش متوسطه‌ی نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه‌ی راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن»، فصل‌نامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، شماره‌ی ۱۷، سال پنجم: صص ۱۳۲-۹۳.

۲۳. فتحی وار جارگاه، کورش و سکینه واحد چوکده (۱۳۹۶) آموزش شهروندی در مدارس، تهران: نشر آیین.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۲۴. کاستلز، استفان و الیستر دیویدسون (۱۳۸۳) مهاجرت و شهروندی، ترجمه‌ی فرامرز تقی لو، تهران: پژوهش‌کده‌ی مطالعات راهبردی.

۲۵. کیویستو، پیتر (۱۳۷۸) اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

۲۶. گنجی، محمد، نیازی، محسن، اسما عسگری کویری (۱۳۹۳) تحلیلی بر وضعیت شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی، فصل‌نامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال چهارم، شماره‌ی دوازدهم: ۱۰۰-۷۵.

۲۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) پیامدهای مدرنیته، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات مرکز.

۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر شیرازه

۲۹. محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹) «ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی، راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی»، فصل‌نامه‌ی مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره‌ی ۱۰: ۱۴۴-۱۱۷.

۳۰. محمدی، بیوک (۱۳۷۴) «خویشاوندگرایی در ایران»، فرهنگ و توسعه، سال چهارم، شماره‌ی ۲۱: ص۳۴-۳۴.

۳۱. موشار، د. و ایودورماگن، ژ (۱۳۸۹) مبانی جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر آگه.

۳۲. میرزایی تبار، میثم، حسینی، سیدمحمدحسین و وحید صادقی (۱۳۹۶) تبیین رابطه‌ی طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی(نمونه‌پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه‌ی انتخابیه‌ی ممسنی)»، مجله‌ی پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال دوم، شماره‌ی دوم: ۵۴-۲۵.

۳۳. هزار جریبی، جعفر و ابوالفصل امانیان (۱۳۹۰) «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره‌ی نهم: صص ۱-۱۸.

34. Baubock.R.(2003)."Reinventing urban citizenship" citizenship studies Vol 7.Tssuez:139 – 160.

35. Capurri, V. (2003).Italian catholic immigrants in Toronto at the beginning of the twentieth century: A case of religious citizenship (Ontario), MAL 42/02, Apr 2004.

36. Jorgenson, S. (2012) «Global Citizenship Education(GCE) in Post Secondry Institutions», University of Alberta, Journal of Global Citizenship & Equity Education, 2 (1), 145-162.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

37. Sassen,S,(2004)."The Repositioning of citizenship.Emergent subjects and Spaces for polities" Berkeley Journal of Sociology,vol,46:4-25.

38. Schebley, B. (2004). Religious oppression and womens civil riyhts: the effects of Islamic resurgence on muslim Lebanese womens freedom, the university of Utah, DALA 65/02.

39. Vitermark.J&et al.(2005)."Reinventing Multiculturalism urban citizenship and the Negotiation of Ethnic Diversity in Amsterdam" Internatinal Journal of urban and Regional Research,Vol.29,Issue.3:622-640

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]